جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاها از محیط‌های شهری

علی شمس الدینی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/٤/۲٤
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۹/۲۷

چکیده:

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط؛ در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند، که این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسائی‌های فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاها شده است.

در این راستا شهرها بعنوان کانون برتر در هر فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده‌ای بر روند دگرگونی فضایی روستاها با اشاعه الگوها و شیوه‌های معیشتی خود داشته‌اند. در این بین مساکن روستایی به عنوان شاکله اصلی هر سکونتگاهی برای استفاده بهینه ساکنین آن نیازمند تغییر در شکل، سیما و به تبع کارکردِ خود؛ در تأثیر پذیری از این تحولات و به تقلید از محیط‌های شهری می‌باشد. از این رو در مقاله حاضر نگارنده با رویکردی کاربردی و با تکیه بر اطلاعات کتابخانه ای و میدانی به تحلیل و بررسی جایگاه مسکن روستایی در روند تغییرات حاصله از فرایند زمان و مکان در روستاها به تبعیت از شیوه‌های زندگی شهری می‌پردازد.

مقدمه

جوامع روستایی به عنوان بخشی از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در طی دهه‌های اخیر با توجه به دگرگونی‌های حاصل از سیاستهای اجتماعی- اقتصادی بخشهای دولتی و خصوصی، ضمن ایجاد رابطه‌ای پیچیده و تنگاتنگ با جوامع شهری دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری در عرصه کالبدی- فضایی خود شده‌اند، که شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی‌ها؛ در راستای برنامه‌ریزی فضایی و ارائه الگویی مناسب جهت توسعه و آبادانی روستاها و نیز فراهم نمودن محیط زیستی شایسته و درخور روستاییان مهم می‌باشد.

در این بین بافت کالبدی- فیزیکی روستاها به عنوان تجلی گاهی از شیوه زیستی- فرهنگی‌روستاییان

* دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

(چه نتیجه یک روند شکل‌پذیری مبتنی بر برنامه و یا حاصل برپایی و گسترش خود به خودی باشد)؛ (طالب و همکاران، ۱۳۷۵، ۱۱۹) در گذر زمان و با تغییر در ساختار و کارکرد روستاها و پدید آمدن نیازمندیهای نوین برای روستاییان، اگر نتواند خود را با شرایط زمان و مکان آن جامعه سکونتگاهی وفق دهد، به مرور باعث ایجاد عدم رفاه اجتماعی، توسعه نیافتگی روستایی، و در نهایت مهاجرت روستاییان از آن مکان سکونتی خواهد گشت.

به دنبال این تحولات؛ مسکن روستایی نیز به عنوان جزئی اصلی از عناصر شکل دهنده هر روستا از این تغییرات مصون نبوده و برای از دست ندادن کارایی اولیه خود بعنوان سرپناه و محل کار و اشتغال روستاییان، باید در این دگرگونی‌ها برای رسیدن به کارکردی مطلوب و فراهم نمودن محیطی امن توأم با رفاه نسبی برای ساکنان آن سهیم شود. با این تحولات فضایی در عرصه روستاها و بروز مشکلات و نارسایی‌های منتج از آن در شیوه سکونت و معیشت ساکنان آن، همراه با پیچیده شدن هر چه بیشتر روابط و مناسبات شهر و روستا (به نوعی وابستگی روز به روز روستاییان به شهر)، و به دنبال آن تأثیرپذیری از محیطهای شهری و تقلید از آداب و رسوم زندگی و شیوه‌های سکونتی آنان، (برای به دست آوردن زیستی دلخواه و شایسته) بافت و سیمای فضایی- کالبدی روستاها به شدت دستخوش دگرگونی و تحول گردید. از این رو مسکن روستایی نیز هماهنگ با سایر اجزا و بافت سکونتگاه‌های روستایی مورد تحول و بازنگری قرار گرفته است.

با این تفاسیر، در پژوهش حاضر نگارنده ضمن بررسی فرایند زمانی و مکانی تحولات کالبدی روستاها و تغییرات حاصله از تأثیرپذیری این روند از محیطهای شهری بواسطه مکانیزم‌های خاص روابط شهر و روستا، با رویکردی تحلیلی - توصیفی متکی بر کار کتابخانه‌ای و میدانی به تحلیل عوامل مؤثر بر این دگرگونی (از جمله رابطه شهر و روستا) و مهمتر از همه جایگاهی که مسکن روستایی می‌تواند در این تحولات و تأثیرپذیری ایفا نماید، با تأکید بر کانونهای روستایی با فاصله نزدیک به شهر نورآباد از توابع شهرستان ممسنی می پردازد.

تحولات کالبدی - فضایی در محیط‌های روستایی

روستانشینان به عنوان یکی از اولین ساکنان زندگی اجتماعی بشری؛ همواره و در طی زمان از نقش مهمی در فرایندهای تاریخی - تمدنی هر سرزمینی برخوردار بوده‌اند. به گونه‌ای که روستاها بعنوان کهن‌ترین شکل سکونتگاه‌های انسانی بنا بر ماهیت خویش و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای سازماندهی درونی و کالبدی خاص در زمینه نوع سکونت و شیوه های متفاوت در نوع معیشت و زندگی می باشند و همگام با ضرورت‌های تاریخی و نیاز ساکنان آن برای مدتهای کم و بیش طولانی رشد، حیات و در نهایت تحول یافته‌اند.

بدین سان؛ تطورپذیری و پویایی یکی از ویژگیهای سکونتگاه‌های انسانی می باشد که در فضا و طی روندهای زمانی؛ به مدد تبادلات، تغییر شکل ها و نقل و انتقالات صورت می پذیرد و همواره خود را به صورت جابجایی جمعیت، انتشار و اشاعهٔ فرهنگ،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می‌دهد (دولفوس، ۱۳۷۰: ۷۱).

روستاها بعنوان کهن‌ترین شکل سکونتگاه‌های انسانی بنا بر ماهیت خویش و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای سازماندهی درونی و کالبدی خاص در زمینه نوع سکونت و شیوه‌های متفاوت در نوع معیشت و زندگی می‌باشند

بنابراین بستر طبیعی یک سکونتگاه و تغییرات ایجاد شده در آن مانند ساختمان ها، خیابان ها، تسهیلات و تأسیسات عمده مورد نیاز ساکنان آن مکان –بر حسب ضرورتهای زمانی– به عنوان عناصر کالبدی اشغال کنندهٔ آن فضا محسوب می شود (بحرینی، ۱۳۷۰: ۳۳۹). از این رو؛ این مجموعه مکانی – فضایی تحت عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر، که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد (سعیدی، ۱۳۷۹: ۵–۷)، که در گذر تحولات و رخدادهای پیش آمده (در تاریخ هر کشور) متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونتی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی – اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند.

برای روشن‌تر شدن مطلب می‌توان از فرایند حیات و پاگیری سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نمونه‌ای کامل از چرخه دگرگونی در محیطهای سکونتی یاد کرد. بدین گونه؛ «که با اسکان یافتن گروههای کم جمعیت انسانی که به شیوه‌های اولیه[1] امرار معاش می‌نمودند، (بنابر علقه‌های خویشاوندی، رابطه مکانی و ویژگیهای اجتماعی مشترک)، برای برخورداری از امنیت بیشتر، استحصال آب و مراقبت از محصولات کشت شده» (مهدوی، ۱۳۷۷: ۸–٦)، به همراه تقسیم کار به منظور استفاده بهتر از محیط پیرامونی خویش روستاها با تغییر در نحوه معیشت (از شکل اولیه به کشت زراعت توأم با دامپروری)، شکل گرفتند و به مرور زمان و مکان با توجه به گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و تحولات سیاسی– اجتماعی در عرصه سرزمین‌ها، «به خصوص در نیم قرن اخیر با پیچیده شدن روابط انسانی و بالطبع سکونتگاهی دستخوش عمیقترین زیر و روشدگی‌ها، درهم ریختنها، و دگرگونی‌ها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی خود شدند» (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸٦: ۹٤)، از این رو بررسی و تبیین این تحولات از این منظر که معمولاً دولتها همواره در تلاش برای ایجاد تحولات و دگرگونی دلخواه خود در روستاها بوده‌اند، حائز اهمیت می‌باشد (منبع قبلی ص: ۹۵).

شهر و تحولات کالبدی – فضایی در روستاها

در یک سیستم فضای سرزمینی، ناحیه بعنوان یک مجموعه متشکل از شهرها، شهرکها و روستاهای پیرامون آنها می‌باشد، که ضمن شکل دهی فضایی مختلف الجنس در عرصه‌های سکونتگاهی، قسمتهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

مختلف آن ناحیه ضمن ایجاد پیوند و ارتباط، مکمل یکدیگر می‌باشند. در این بین تعاملاتی که بین هر ناحیه جغرافیایی و نواحی مجاورشان، و نیز پیوند و ارتباطی که بین کانون برتر آن ناحیه؛ با سکونتگاه‌های تحت نفوذ آن وجود دارد، عامل تحکیم دهندهٔ بین نواحی و تأثیر گذار در فرایند تغییر و تحولات و به تبع حیات و توسعه در عرصه‌های ساختاری - کارکردی هر ناحیه می‌باشد.

بنابراین شهرها و روستاها به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم در یک فضای جغرافیایی خاص قلمداد می‌شوند «که بین آنها پیوندها و تعاملات مختلفی نظیر جریانات اساسی از رفت و آمد مردم، کالا و سرمایه وجود دارد، که این جریانات با دو ماهیت اثر گذار و اثر پذیر روندهای سکونتی شهر و روستا را هدایت می‌کنند» (شاریه، ۱۳۷۳: ۲۳۵). پس هر فضای شهری به اندازهٔ وسعت و اهمیتش برای محیط پیرامونی و منطقه خویش قطب توسعه منحصر به فرد محسوب می‌شود، به گونه‌ای که در پاره‌ای از نواحی نزدیک به شهرها و پیرامون آنها به دنبال افزایش روابط و پیوندهای روستا - شهری؛ همچنین گسترش عناصر شهری در فضای روستایی و در پی آن نفوذ فضاهای شهری و روستایی در یکدیگر، پدیده‌ای به وجود می‌آید که به رشد شهرنشینی پیراشهری و یا به عبارتی دیگر پیرا روستایی معروف شده است (باستیه و همکاران، ۱۳۷۷: ۹- ۸).

جریان این تأثیرپذیری روستا از شهر در کشور ما با انقلاب مشروطیت و رسوخ فرهنگ غربی در شهر و تشکیل سازمان‌ها و نهادهای دولتی شروع می شود، به گونه ای که جامعه روستایی با گسترش وسایل ارتباطی و افزایش رفت و آمد روستاییان به شهر، ضمن آشناشدن با شیوه‌های زندگی شهری (برای عقب نماندن از قافله تمدن) ناچار به تبعیت از فرهنگ شهر گردید (طالب و همکاران، ۱۳۸٤: ٦۲). کما اینکه هانری لوفبر[۲] بیان می‌دارد: «در یک فضای جغرافیایی الگوهای مصرف و زندگی شهری در روستاهای دور و نزدیک به اندازه کافی-با توجه به سازوکارهای حاکم بر روابط شهر و روستا- رخنه کرده و موجب برهم زدن جامعه سنتی روستاها و سبک زندگی قدیمی آنها شده است (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۹۸- ۱۹۷).

پس افزایش رابطه شهر و روستا به تبعیت از گسترش شبکه های ارتباطی، توسعه پوشش رادیو و تلویزیون، ورود روابط پولی در جامعه روستایی، توسعه مؤسسات آموزشی و علی الخصوص انجام اصلاحات ارضی و حذف قدرت سیاسی مالک از روستا موجبات تأثیرپذیری جامعه روستایی ایران از شهر و آغاز فرایند تغییر و تحولات روستایی را فراهم آورد، به نحوی که امروزه جوامع روستایی به سرعت راه ادغام در جامعه کلی را طی می‌کنند (طالب و همکاران، ۱۳۸٤: ٦٤-٦۳).

بطور کلی اشکال تأثیرگذاری شهرها در این تغییرات کالبدی - فضایی بر روستاها را می‌توان به دو صورت بیان نمود:

اول اینکه شهر با بسط و گسترش روزافزونی خود به لحاظ افزایش چشم اندازهای زیبا و دیدنی (رستورانها، پارکها، سینما و آمفی تئاتر، بازارهای لوکس و پرزرق و برق، ساختمان‌های زیبا و مجلل، مراکز بزرگ آموزشی - بهداشتی و مهم‌تر از همه تبلیغات دنیای سرمایه داری در مورد شهرها تحت عناوین آرامش و آسایش خاطر در زندگی، کار پُر درآمد، دنیای امکانات و تسهیلات معیشتی «کما اینکه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

می‌باشد» و صدها مورد دیگر) در محیط سکونتگاهی خویش، روستاییان را هنگام رابطه و رفت و آمد به شهر؛ با این تجملات آشنا می سازد، به گونه‌ای که این رفت و آمدها موجبات دگرگونی در ذهن و اندیشه روستایی گردیده و روستایی برای استفاده از این امکانات و تسهیلات نوین زندگی ناچار به سازگار کردن محیط مسکونی خود با این تحولات می‌شود. می‌بینیم که تغییر در اندیشه، سنن و فرهنگ روستاییان در الگوپذیری از شیوه‌های معیشتی محیطهای شهری آنها را وادار به ایجاد تغییرات در فضا و کالبد روستای خود برای هماهنگ شدن با تحولات زمانی می‌کند.

مورد دیگر: شهر با سازو کارهای سازمانی خود و برای گسترش خدمات رسانی به روستاها و ارائهٔ امکانات زندگی به آنها، با خود الگوها و اشکال زندگی شهری را به روستاها می برد. به گونه ای که در کشور ما بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد کشاورزی هرکدام با اجرای طرح های نوسازی و بهسازی در محیطهای روستایی برای ارائهٔ تسهیلات معیشتی؛ در اولویت اول کالبد و فضای روستا را به سبک زندگی شهری دستخوش تحولات قرار داده اند، که نمود بارز آن را می‌توان در اجرای طرح هادی روستایی و ساخت فضاهای فیزیکی در روستاها مشاهده نمود.

بنابراین به دنبال ایجاد تحولات در شهرها به تبعیت از نظام بین الملل و جهان سرمایه داری، الگوها و سبک‌های خاصی از زندگی در فضای سرزمینی ما رسوخ یافت «که گاهی با فرهنگ سنتی کشور ما سازگاری و همخوانی نداشت» اما این روند تغییر و تحولات که در فرایند جهانی شدن هیچ گریز و گزیری از آن نیز نمی باشد، ضمن پایداری در شهرها؛ بر پایه جریان های خاص ارتباطی و مبادله ای و همچنین با سازوکارهای فرهنگی – اقتصادی و رفت و آمدی مابین ساکنان شهر و روستا از این کانون های مرکزی به سوی پیرامون اشاعه و گسترش یافت. حال برای هماهنگی و همگام شدن با این تحولات و فرایندهای زمانی – مکانی حاصل از آن؛ روستاها نیازمند تغییر در بافت، کالبد و فضای خود شدند. از این رو روستاییان برای سازگاری در استفاده از این شیوه های سکونتی – معیشتی جدید (به تأثر از شهرها) در هر مکان جغرافیایی مجبور به تغییر در فضای پیرامونی و سکونتی خویش گشتند.

در نهایت، شهر فضای روستایی را (با ساز و کارهای هماهنگ و پیوسته خود) به جنب و جوش و تحرک واداشته و ضمن ساختاربندی، در آن با مایه‌ای از کندی و درنگ؛ یافته‌های اقتصادی و فرهنگی خود را وارد می‌سازد (شاریه، ۱۳۷۳: ۱۱).

مسکن روستایی

یکی از عناصر مهم در فضای روستاها مقولهٔ مسکن می‌باشد، که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش؛ در طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی – مکانی (به ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی اقتصادی – ایدئولوژیکی سازندگان آن) در هر منطقه شکل گرفته، و به نوعی نشان دهندهٔ نوع فعالیتها در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی – فرهنگی روستائیان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن می‌باشد. «به بیانی دیگر ابتدایی ترین، اصیلترین و در عین حال پیچیده ترین صورت مساکن انسانهای یکجانشین، مسکن روستایی است؛

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

زیرا نه تنها نقش استراحتگاهی، بلکه نقشهای تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را در روستاها برعهده دارند» (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۸).

پژوهشها در کشور حاکی از تأثیرپذیری مسکن روستایی از باورهای اجتماعی چون قناعت در زندگی و شکل گیری مساکن با استفاده از مواد و مصالح در دسترس و همسازی و همخوانی با محیط می باشد. به گونه‌ای که خانه روستایی مسکن و مأوای مردمی است که به صورت فردی یا جمعی به زندگی، کار و فعالیت مشغولند (سرتیپی پور، ۱۳۸٦: ۲).

بنابراین در طول تاریخ شکل گیری روستاها و همزمان با سکونت و یکجانشینی، داشتن سرپناه و مسکن به عنوان اساسی‌ترین بخش از قلمرو سکونتی- زراعی هر روستا و هستهٔ سازمان دهندهٔ حیات روستایی مطرح بوده است. «در این میان اندیشه سازگاری خانه با محیط طبیعی از جمله مسائلی بوده است که ذهن سازندهٔ خانه را همواره به خود مشغول داشته؛ و این دلمشغولی از یکسو به منظور مقابله با شرایط آب و هوایی محیط خارج صورت می گیرد و از سوی دیگر، به منظور تقلیل هزینه ها و کاستن از زحماتی که احداث بنا پیش می آورد، است (قره نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱۹).

با نگاهی گذرا به نمونه های ساختمانهای روستایی در نواحی گوناگون کشور متوجه بهره برداری هوشمندانهٔ روستاییان از مواد ومصالح موجود در دسترس برای ساخت منازل خویش می‌شویم (زرگر، ۱۳۸۵: ۱٦۳). «عکسهای شماره ۱-۲-۳»

بنابراین در دوره‌ای که روستاییان در انزوای مطلق یا نسبی بسر می‌بردند و ارتباطات کمی با شهر و محیط اطراف خود داشتند؛ عوامل جغرافیایی و طبیعی نقش عمده ای در شکل داخلی و خارجی مساکن روستایی و

تصاویر شماره ۱ ، ۲ و ۳: نمونه‌ای از ساخت خانه‌های مسکونی قدیمی با مصالح موجود در محیط، در روستاهای گر، پل و جنجان فهلیان در شهرستان ممسنی (بهار ۱۳۸۷).

در نتیجه ریخت کلی روستا داشته است (طالب و همکاران، ۱۳۸٤: ٤۸).

در پی تحولات پیش آمده در تاریخ کشور و ضرورت انجام اصلاحات و دگرگونی در قوانین

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

اقتصادی – اجتماعی، روستاها به طور پیوسته و گام به گام وارد این تحولات شدند و برای رسیدن به برنامه‌های توسعه – دستوری – نیاز به زیر و رو شدگی نظام کهنهٔ روستایی (ارباب – رعیتی) فراهم آمد و به دنبال اصلاحات ارضی و آزادسازی نیروهای انسانی و سرمایه از روستاها؛ روابط روستا – شهری نیز دستخوش این دگرگونی‌ها شد. از این رو به دنبال اصلاحات ارضی و در پی آن پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بسیاری از زنجیرهای قطع ارتباط شهر و روستا گسسته و روستایی با دنیایی فراتر از قلمرو سکونتی خویش آشنا گردید. در جامعه‌ای که به مثابه یک سیستم می‌ماند، به دنبال تغییر در کالبد، فعالیتها و کارکردهای شهری و همچنین بسط وگسترش شبکه‌های ارتباطی و توسعه تکنولوژی و به تبع فشرده شدن «فضا و زمان» در قلمروهای سکونتی و پیوند هر چه بیشتر سکونتگاه‌ها به یکدیگر، لزوم تحول و تغییر در فضای روستاها احساس گردید، که نمود بارز این دگرگونی و تحول را می توان در شیوه ساخت و شکل خانه های روستایی به تبعیت از مساکن شهری مشاهده نمود.

بنابراین خانه‌های روستایی از تحول مصون نیستند، ولی از آنجا که بروز هر نوع تغییری در مساکن مستلزم سرمایه گذاری است، و نیز شیوه آرایش خانه‌ها ریشه در عادت و فرهنگ جامعهٔ بهره بردار دارد، دگرگونی در آن به تأنی صورت می گیرد و همین امر سبب می شود تا بروز تغییر در مساکن روستایی، در مقایسه با تحولات اقتصادی جامعه سکونتگاهی با وقفه و درنگ مواجه شود (درئو، ۱۳۷٤ :۳۳۲).

به طور کلی عرصه‌های روستایی در سطح کشور به عنوان یک واقعیت مکانی – فضایی، برایندی از تعامل مؤلفه‌های متفاوت اکولوژیکی – کالبدی، اجتماعی – فرهنگی و اقتصادی – سیاسی است، که بنا بر مقتضیات زمان و با ملاحظه وضعیت ساختاری – کارکردی آن فضای جغرافیایی شکل گرفته‌اند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸٦: ٤۷) از این رو، این فضا برای ماندگاری و ادامه حیات در عرصه سرزمینی و برآوردن احتیاجات ساکنان خود نیازمند ایجاد دگرگونی در کالبد و فضای اجتماعی – اقتصادی خود برای سازگاری و هماهنگ شدن با محیط پیرامون خود می‌باشد؛ که مسکن بعنوان مهمترین احتیاجات او از این تغییر مصون نیست.

خانه‌های روستایی از تحول مصون نیستند، ولی از آنجا که بروز هر نوع تغییری در مساکن مستلزم سرمایه‌گذاری است، و نیز شیوه آرایش خانه‌ها ریشه در عادت و فرهنگ جامعهٔ بهره بردار دارد، دگرگونی در آن به تأنی صورت می‌گیرد

در نهایت عوامل کلی در تغییر ریخت و بافت کالبدی روستاها و بالطبع مساکن روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- تغییر در نحوه مالکیت اراضی زراعی؛
- ورود تکنولوژی و ماشین آلات جدید تولید به روستاها که سبب استقلال مالی خانواده ها و افزایش درآمد آنها گردیده است؛
- افزایش میزان جمعیت، به دنبال رعایت مسائل بهداشتی و پزشکی در روستاها؛
- تغییر نظام خانواده (از گسترده و پدرسالار به هسته‌ای و تک خانواده)؛
- مجاورت مکانی روستاها به شهر و در پی آن مهاجرتها و رفت و آمدهای مداوم به شهر؛

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

- اجـرای طـرح هـای هـادی و بهـسازی در محیطهای روستایی به تقلید از فضای شهری؛
- غلبـه فرهنـگ و الگـوی زنـدگی و معیـشت شهرنشینی بر روستاها (طالـب و همکـاران، ۱۳۸٤: ۵۱- ٤۹).

تأثیرگـذاری شـهر بـر سـاخت مـساکن روستایی

در مباحث پیشین به کـرات لـزوم ایجـاد تغییـر در فضای روستاها و به تبع مسکن روستایی شـرح و بـسط داده شد، حال این سؤال پیش مـی آیـد، کـه ایـن رونـد تحولات مسکن در روستاها چگونه بوده است؟ چه بسا نادیده گرفتن و رها نمودن روستاها و بی توجهی نسبت به مسکن و بافت کالبـدی آنهـا، ضـمن نادیـده گـرفتن شرایط آسایش بـرای بخـش قابـل تـوجهی از جمعیـت کشور؛ برهم زدن تعادل اجتماعی - اقتصادی و کالبـدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور را به دنبال خواهد داشـت (سـرتیپی پـور، ۱۳۸۵: ٤۹). بطوری‌که نابـسامانی در وضـع کالبـدی و کیفیـت نامناسب مساکن روستایی بـه لحـاظ مقاومـت در برابـر حواث طبیعی (سـیل، زلزلـه، رانـش زمـین، طوفـان) از مشکلات مهم مـساکن روسـتایی اسـت کـه اسـتفاده از مصالح کم دوام و بـویژه عـدم رعایـت ضـوابط فنـی و اصول مهندسی در ساخت و ساز مسکن نقش مؤثری در این زمینه داشته است. از ایـن رو؛ «الزامـات بهـسازی و مقاوم سـازی ابنیـه و مـساکن روسـتایی نیـز ضـرورت اصـلاح و سـازماندهی بافتهـای روسـتایی را ایجـاب می‌کند. چرا که در اکثر موارد بدون اصـلاح و بهـسازی بافت روستاها، بهسازی و مقاوم سازی مساکن روستایی ممکن نیست» (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

بنابراین در توجیه و بررسـی مـساکن روسـتا بـه عنوان جزئی از بافـت کالبـدی سـکونتگاه روسـتایی، بایـستی بـه ابعـاد مختلـف کالبـدی و اجتمـاعی - اقتصادی آن توأمان توجه نمود. که شامل:

۱. - وسعت و شکل فضای آزاد (ماننـد فـضای حیاط و باغچه)؛

۲ - ارتبـاط نحـوهٔ سـاخت بنـا و مـصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف؛

۳ - شـکل درونـی خانـه‌هـا (تعـداد اتاقهـا و کارکرد هر یک از آنها)؛

٤ - روند تکوین و گسترش سکونتگاه‌ها؛

۵ - شکل ظاهری خانه‌هـا (شـیوهٔ سـاخت و معماری آنها)؛

٦ - تسهیلات و امکانات خانه های روستایی؛

۷ - سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سـطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارهـا و مانند آن، می‌باشد (سعیدی، ۱۳۷۹: ۷۵).

روستاییان از یک سو به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی و فنی در ساخت مسکن در گذشته و از سـوی دیگر عدم جوابگویی این مساکن با نیاز امروز جامعـه روستایی، تغییر در مـسکن روسـتایی را بـه تبعیـت از ساخت مساکن شـهری شـروع نمودنـد، کـه مکـانیزم حاصل بر ایـن رونـد را مـی‌تـوان در دو شـکل کلـی توصیف نمود:

الف: روستاییان ضـمن ایجـاد رابطـه و پیونـدی ناگسستنی با شهرها، الگوها و شیوه‌های ساخت خانـه را از آنجا فرا گرفته و آن را در روستای خود بـه کـار می‌گیرند؛ چـرا کـه اینگونـه مـسکن شـهری توانـسته جوابگوی نیازهای امروزی ساکنان آن باشد. همچنـین در مقابل خطرات و احتمـالات پـیش آمـده طبیعـی -

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

انسانی کارآیی و جوابگویی بهتری از مسکن ساخته شده در روستاها را دارد.

به بیانی دیگر شهر با غلبه و سلطه فرهنگی – اقتصادی خویش بر روستاها، و پیش رفتن سکونتگاه‌های کشور به سوی پیوند و هماهنگ شدن؛ به گونهٔ زنجیری به هم پیوسته از مادر شهرهای جهانی، ملی، ناحیه‌ای، روستاهای بزرگ و روستاهای کوچک در یک شبکه سلسله مراتب سکونتگاهی که بین تمامی اجزاء و عناصر آن ارتباط و پیوندی متقابل وجود دارد، شیوه‌های زندگی از بالادست این شبکه به پایین (از کانون‌ها و مراکز شهری به روستاهای پیرامون) تراوش و رخنه می‌یابد. و بر این اساس روستاییان تمایل به ساخت منازل خویش به سبک مساکن شهری دارند.

نهایتاً در این مورد؛ علت هم شکل شدن مسکن روستایی با شهر را باید در عواملی از قبیل رسوخ شیوه زندگی شهری به داخل روستاها در نتیجهٔ ارتباط هرچه بیشتر آنها با شهر دانست. به گونه‌ای که این آمد و شد موجب القاء نیازهای جدیدی شده است، و برخی از نیازهای محسوس روستائیان را محسوس کرده است (ازکیا و همکاران، ۱۳۸٦: ۷۱).

ب: دلیل دیگر این هم‌شکل شدن را می‌توان در نقش برجسته بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این زمینه دانست، به گونه‌ای که «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تأسیس تا قبل از برنامه سوم توسعه کشور از طریق تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی، ترویج مسکن از طریق مسکن نمونه در روستاها و اعمال نظارت نسبی بر ساخت و سازهای روستایی، اقداماتی را در جهت بهبود وضع مسکن در روستاها انجام داده است ولیکن در برنامه سوم توسعهٔ کشور در فصل عمران و توسعه روستایی تمامی وظایف مربوط به ساخت و ساز مسکن روستایی برعهده بنیاد مسکن گذاشته شد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱٦۵). از این رو بنیاد مسکن با ارائه وام های بلند مدت (۱۱– ۵ میلیون تومان؛ در اقساط ۱۲ الی ۱۵ ساله) برای ساخت مسکن در روستاها به طور مستقیم خود درگیر این موضوع شد. مهم ترین نکته در نحوه پرداخت این تسهیلات و چگونگی نظارت بر آن می‌باشد. بنیاد مسکن وام را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که برای ساخت خانه از نقشه مهندسی مورد تأیید خود سازمان، استفاده و اجرا کنند و تمامی دفاتر ساخت مسکن نیز به غیر از الگوها و نمونه های مسکن شهری چیز دیگری ارائه نمی دهند.

مکانیزم دیگر پرداخت وام؛ در نوبت های چند باره، نظارت ناظر عمران بنیاد مسکن برساخت مسکن

تصاویر شماره ٤ و ٥ : تبعیت ساخت منازل مسکونی روستاها از منازل شهری در روستاهای مهرنجان و باجگاه در شهرستان ممسنی (بهار ۱۳۷۸).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

می‌باشد. بطوری‌که خانه بر اساس اصول مهندسی (تهیه شده برای شهرها) ساخته و پایه ریزی گردد. می‌بینیم که در این روند نیز به اجبار، ساخت منزل مسکونی بر اساس مساکن شهری می‌باشد (البته خود روستاییان نیز تمایل شدید به استفاده از الگوهای مسکن شهری دارند) زیرا بدلیل تغییر در شغل و کارکرد روستاییان، کارکرد خانه‌ها نیز باید تغییر کند و شکل و الگوی قبلی مساکن متحول و همگام با نیازهای روز جامعهٔ روستایی ساخته شود. (عکسهای شماره ٤ و ٥).

بر پایه تفاسیر ذکر شده، بدون احتساب فواید ساخت مسکن روستایی به سبک امروزی، الگویی از ساخت مسکن در روستاهای کشور بدون همخوانی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی روستاها پیاده و اجرا می‌شود که در بسیاری از موارد نتوانسته آنگونه که باید نیازمندی‌های ساکنان آن را برآورده سازد. نمونه آن را در فضای اشغال کننده و شکل داخلی خانه‌ها مشاهده می‌کنیم.

هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می‌تواند قرین به توفیق گردد که طرحها و اقدامات با ویژگیها و مشخصات معماری روستایی و سنتهای قومی- فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد

در گذشته به تبعیت از وضعیت اقتصادی و رده بندی اجتماعی ساکنان روستا؛ خانه‌ها در ابعاد و اندازه‌های متفاوتی ساخته می شدند؛ به طوری‌که خانه ارباب و کدخدای ده بسیار بزرگتر و دارای اتاقهای متعددی نسبت به خانه‌های رعایا بوده است. زارعین یا همان رعایا به نسبت جایگاهی که در روستا داشتند منازل مسکونی خود را نیز بنا می‌کردند، و خوش نشینان بعنوان پایین‌ترین قشر ساکن در روستا از وضعیت نامناسبی در بعد مسکن برخوردار بودند. اما اکنون با فروریختن رده بندی‌های اجتماعی در روستاها و گسترش ارتباطات روستاییان با دیگر نقاط سکونتگاهی در جامعه، هر روستایی بنا بر میل و خواست خود خانه‌اش را بدون در نظر گرفتن پایگاهش در روستا بنا می‌کند (و چه بسا که اقشار کم درآمد و آسیب پذیر جامعه روستایی منازلی بهتر و بزرگتر از اعیان و صاحبان املاک روستا برپا می‌کنند) و این از بعد اجتماعی نیکو و پسندیده می‌باشد که هر کس آنطور که می‌خواهد و موجب رفاه و تعالی اوست زندگی و رفتار کند.

در مورد شکل داخلی خانه های روستایی مهم‌ترین مطلب به بعد اجتماعی- فرهنگی و سنن‌های رایج در جامعه روستا در گذشته بر می‌گردد. زیرا روستاییان عموماً به دلیل بافت بسته فرهنگی خود و عدم رابطه و رفت و آمد با دیگر ساکنان خارج از فضای روستای خود، و تعصبات و سنن موجود در روستاها، با روحیه محافظه کاری شدید؛ زیاد مایل به نمایش گذاشتن جزئیات و مسائل خصوصی زندگی روزمره خود در دید عموم نبودند. نکته دیگر در این رابطه جدا بودن و به نوعی دور بودن (گذاشتن) زنان و دختران در کارها و عرصه های عمومی روستا بوده است، که به تبع اینکه در دید هر مهمانی باشند، مورد پسند نبود (و نمی‌باشد). اما منازل جدید به سبک شهری با فضاهای باز و حال و آشپزخانه مشترک؛ نتوانسته این پنهان کاری را رعایت نماید و گاهی سبب پدید آمدن مسائل و ناراحتی‌هایی در درون خانه‌ها و جامعه روستایی، شده است. که امید است

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

در برنامه‌ریزی‌های کلان در راستای مسکن روستایی این مهم لحاظ شود.

بنابراین هرگونه سیاستگذاری و برنامه ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می‌تواند قرین به توفیق گردد که طرحها و اقدامات با ویژگیها و مشخصات معماری روستایی و سنتهای قومی- فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸٤: ٤٤).

جمع بندی

جوامع روستایی بعنوان پایین‌ترین بخش از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در جریان آزادسازی نیروهای انسانی، سرمایه و گسستن از بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی خویش ضمن برقراری ارتباط و پیوندی تنگاتنگ با دیگر جوامع خارج از محیط روستایی (به مدد گسترش تکنولوژی و شبکه های ارتباطی) بعد از اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی برای اینکه بتواند خود را با شرایط جدید زندگی و جامعه هماهنگ سازند، نیاز به ایجاد دگرگونی‌های اساسی در محیط مسکونی خود داشته است. و از این رو با تکامل شیوه‌های معیشتی در دیگر جوامع انسانی به خصوص در شهرها، روستاییان به تقلید از این تحولات، تغییرات بنیادین مهمی را در روستاها برای قابل زیست کردن آن مکان سکونتگاهی، فراهم آوردند.

بنابراین مسکن به عنوان مکانی جهت برقراری روابط خانوادگی و ایجاد همبستگی میان آنان در روستاها، به دلیل تغییرات و تحولات در تمامی عرصه‌های سکونتگاهی کشور برای اینکه بتواند جوابگوی نیازهای روزمره ساکنان خود باشد، همگام با دیگر تحولات کالبدی در روستاها مورد تغییر قرار گرفت. این دگرگونی در شیوه ساخت خانه در روستا بنابر وجود رابطه و پیوند متقابل روستا و شهر و سیطره الگوهای فرهنگی - اقتصادی شهر بر روستا و نقشی که سازمانهای دولتی در این یکرنگ شدن بر عهده دارند، هم شکل و مطابق با مساکن ساخته شده در شهر می‌باشد. که از این رهگذر علاوه بر پدید آوردن محاسن و ایجاد امنیت و آرامش در روستاها؛ در پاره‌ای از موارد معایبی به دلیل نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی-فرهنگی روستاها را در این سکونتگاه‌ها پدید آورده است. که امید است با بازنگری در طرح‌ها و برنامه‌های ساخت مساکن روستایی این نقیصه نیز برطرف، و ضمن رسیدن به توسعه همه جانبه در روستاها این جامعهٔ انسانی بتواند آنگونه که شایسته اوست به رفاه و توسعه دست بیابد.

پی‌نوشت

۱- جمع آوری گیاهان، میوه و شکار پرندگان و جانوران و در نهایت دامداری

2- H. Lefebver.

منابع

۱- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری: توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران؛ چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۸٦.

۲- باستیه، ژان و برنارد دزر: شهر، ترجمه علی اشرفی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۷.

۳- بحرینی، حسین: «مفهوم و مشخصات طرح ریزی کالبدی» مجموعه مقالات اولین کنفرانس طرح ریزی کالبدی، مرکز مطالعات شهرسازی ایران، تهران، ۱۳۷۰.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

٤- توسلی، غلامعباس: جامعه شناسی شهری، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۳.

۵- حسینی ابری، سیدحسن: مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۰.

٦- دِرئو، ماکس: جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشار، تهران، ۱۳۷٤.

۷- دِلفوس، اولویه: تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۰.

۸- رضوانی، محمدرضا: مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۳.

۹- زرگر، اکبر: درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.

۱۰- سرتیپی پور، محسن: «شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران »، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، دانشگاه تهران، ص ۵۲ - ٤۳، تابستان ۱۳۸٤.

۱۱- سرتیپی پور، محسن: «مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، دانشگاه تهران، ص ٥٦- ٤۷، پاییز ۱۳۸۵.

۱۲- سرتیپی پور، محسن: «معماری مسکن در روستاهای ایران»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۹، تهران، پاییز ۱۳۸٦.

۱۳- سعیدی، عباس: مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.

۱٤- شاریه، ژان برنار: شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۳.

۱۵- طالب، مهدی و عباس، سعیدی: شیوه‌های سکونت گزینی و گونه‌های مساکن روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

۱٦- طالب، مهدی و موسی عنبری: جامعه شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸٤.

۱۷- فیروزنیا، قدیر، محمدحسن ضیاء توانا و عبدالرضا رکن الدین افتخاری: «تبیین فرایند تحول روستا با بهره گیری از نظریه چرخه حیات»، فصلنامه مدرس، دوره ۱۱ شماره ۱، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ص ۱۱۹ - ۹۳، بهار ۱۳۸٦.

۱۸- قره نژاد، حسن: طبیعت و معماری، چاپ اول، انتشارات گلهای محمدی، اصفهان، ۱۳۸۱.

۱۹- مهدوی، مسعود: مقدمه‌ای برجغرافیای روستایی ایران، جلد اول: شناخت مسائل جغرافیایی روستاها، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۷.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]